

تصمیمات محاکم

تصمیم دیوان عالی تمیز بر ابرام

در مورد محکمه جنائی سه نفری که از پنج نفر تشکیل شده باشد

بموجب ماده ۲۷ قانون مجازات عمومی مجازات هر يك از شرکاء حد اقل مجازات قابل مستقل تعیین شده و چون مجازات قتل عمدی اعدام است و حد اقل ندارد با استنباط از ذیل ماده ۲۰ قانون مجازات عمومی مجازات اصلی شرکاء قتل عمدی حبس نوبت دائم با مشقت خواهد بود و بر طبق ماده ۱۸۵ قانون اصول محاکمات جزائی محکمه جنائی با مشارکت ۳ نفر لازم بوده تشکیل شود و تشکیل جلسه مقدماتی محکمه مزبور با مشارکت ۳ نفر غیر قانونی نبوده و اگر چه بدلائل فوق تشکیل آخرین جلسه محاکمه و صدور حکم با مشارکت پنج نفر برخلاف مفهوم ماده فوق الاشمار بوده ولیکن نظر باینکه محکمه جنائی پنج نفری فی نفسه محکمه است قانونی و وقتی وارد رسیدگی بدعاوی جزائی شد حتی در موضوعاتی که اساساً غیر جنائی و از قبیل جنحه یا خلاف باشد رأی میدهد - (ماده ۴۰۸ اصول محاکمات جزائی) و در این مورد هم بهر نظری بوده محکمه پنج نفری تشکیل و بقضیه رسیدگی کرده و حکم آتزا داده است و این معنی را نمیتوان موجب و مؤثر در نقض حکم شمرد از سایر جهات هم در محتویات پرونده اشکالی در حکم ممیز عنه بنظر نرسید و باتفاق آراء ابرام می شود) .

طبق ماده ۱۸۵ اصلاحی اصول محاکمات جزائی - رسیدگی بجنایات با محکمه جنائی است و در مورد رسیدگی بجنایاتی مجازات قانونی آن حبس دائم یا اعدام است مرکب از پنج نفر و در مورد سایر جنایات مرکب از سه نفر خواهد بود .

چند نفر با اتهام کشتن کسی تحت تعقیب در محکمه جنائیی واقع و محکمه پس از انجام تشریفات مقدماتی و تشکیل جلسه مقدماتی از سه نفر از مستشاران استیناف و صدور قرار رسیدگی چند جلسه محاکمه با مشارکت سه نفر بعمل آمده و در آخرین جلسه از پنج نفر تشکیل و بلحاظ عدم کفایت ادله حکم تبرئه آنها را صادر کرده است .

مدعی العموم استیناف از حکم مزبور تمیز خواسته - شعبه (۵) دیوان عالی تمیز پس از رسیدگی در حکم شماره ۹۲۳۸ ر ۱۸۰۹ مورخ ۱۲ ر ۸ ر ۱۳۱۶ چنین رأی داده است :

(اعتراض مدعی العموم استیناف بخلاصه اینکه اصل اتهام قتل است که طبق قانون اصول محاکمات جزائی باید در این نوع اتهام محکمه جنائی از پنج نفر تشکیل شود و حال آنکه جلسه مقدماتی این پرونده سه نفری تشکیل شده و لهذا از محکمه غیر قانونی حکم صادر گردیده غیر وارد بنظر میاید چه آنکه اتهام متوجه

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در مورد تشخیص تعدد جرم در صورت وحدت عمل قتل

محکمه جنائی پس از رسیدگی و احراز عمل انتسابی موضوع را از جهت قصد قتل و شروع بمقدمات آن با ماده ۲۰ قانون مجازات (راجع بشروع بجرم) با تعطف بملوه

يك نفر یا سببان با اتهام آنکه بقصد کشتن کسی قیزی خالی کرده و تیر خطا رفته و بمادر آن کس رسیده و او را کشته است مورد تعقیب در محکمه جنائی واقع شده

۱۷۰ آن قانون تطبیق و در قسمت قتل آن زن عدل را با ماده ۱۷۷ قانون مزبور منطبق دانسته و متهم را بارعایت ماده ۲ الحاقی با در نظر گرفتن ماده ۴۵ مکرر برای ارتکاب قتل غیر عمدی بدو سال و نیم حبس تأدیبی و از حیت شروع بکشتن آن مرد به هشت سال حبس با اعمال شاقه محکوم مینماید.

محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۲) پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۶۳۰۱۶۴۰۱۸۰۷ مورخ ۱۱/۸/۱۶۸۰ چنین رأی داده است: هر چند اعتراضات در خواست کمنده تمیز (محکوم علیه) بر حکم محکمه جنائی خلاصه آنکه (مشار الیه مرتکب جرم انتسابی نشده و دلیلی بر ارتکاب او نیست و بر فرض که عمل مزبور از او صادر شده باشد بر حسب وظیفه باستانی و برای دفاع از خود بوده است) نقض حکم مورد درخواست را ایجاب نمیکند زیرا قسمتی از آن مستقیماً راجع بماهیت دعوی و ایراد بنظر محکمه حاکمه است در تشخیص موضوع بر حسب استنباط از مجموع دلائل و تحقیقات که اصولاً این قبیل اعتراضات اعمال نظر تمیزی نخواهد بود و قسمت دیگر غیر وارد است چه بطوریکه اوراق مربوط از پرونده عمل حاکی است و اظهار خود مشار الیه نیز در محضر محکمه جنائی اشعار دارد در موقع صدور عمل انتسابی مشار الیه بعنوان مرخصی بمحل وقوع قضیه رفته بوده و وظیفه نداشته و اوراق مربوطه هم حکایت ندارد که مذاقعاتی از طرف مشار الیه در زمینه معافیت از مجازات بعلت انجام وظیفه یا دفاع از خود بعمل آمده باشد و لذا از جهت ثبوت اصل عمل انتسابی اشکالی بر حکم محکمه جنائی بنظر نمیرسد - لیکن اشکال قانونی موجب نقض بشرح ذیل بر حکم مزبور وارد است چه محکمه جنائی در حکم خود با تصریح باینکه

متهم بقصد قتل کسی تیر بطرف او خالی کرده ولی اصابت بمادر او نموده و مشار الیه کشته شده متهم را مرتکب دو جرم دانسته و بارعایت ماده ۲ الحاقیه باصول محاکمات جزائی برای هر يك مجازات جداگانه معین کرده (یکی شروع بمقدمات قتل و بملاحظه اینکه قصدش بواسطه عدم مهارت معلن مانده با تطبیق عمل او بماده ۲۰ و ۱۷۰ قانون مجازات عمومی مشار الیه را محکوم بهشت سال حبس با اعمال شاقه نموده و دیگر قتل غیر عمدی زن که با تطبیق این عمل بماده ۱۷۷ قانون مزبور او را بدو سال و ششماه حبس تأدیبی محکوم کرده است) در صورتیکه بر حسب دعوی مدعی العموم بدایت و حکایت اوراق مربوطه اصل عمل انتسابی بمتهم که در نظر محکمه نیز بهمین کیفیت مجرز شده این بوده که مشار الیه بقصد کشتن کسی هفت تیر را بطرف او خالی کرده ولی تیر بخاطر رفته و اصابت بمادر او نموده و مشار الیه در اثر تیر مزبور مجروح و مقتول گردیده و چنین عمل واجبی که ناشی از يك تصمیم و مربوط بیک فکر و اراده میباشد اصولاً دو جرم محسوب نمیشود تا مستلزم تعیین دو مجازات گردد و عمل انتسابی از لحاظ اینکه مرتکب قصد کشتن انسانی را داشته و در اثر خطاء تیر بانسان دیگری اصابت و موجب فوت او شده يك جرم محسوب میگردد بنا بر این حکم محکمه جنائی دایر بمحکومیت متهم بارتکاب دو جرم و تعیین مجازات جداگانه برای هر يك مخالف قانون بشمار میرود و بالحاظ اینکه از طرف پارک دیوان تمیز در ضمن بیان عقیده با استناد قسمت اخیر ماده ۴۳۲ اصول محاکمات جزائی تقاضای نقض حکم مزبور شده بموجب ماده ۴۳۰ اصول مزبور حکم محکمه جنائی بانفاق آراء نقض میشود ۰۰۰۰

تصمیم دیوان عالی تمیز بر ابرام

در مورد قصد قتل انسان و اصابت تیر به شخص غیر مقصود که محکمه

جنائی مجازات قتل عمدی داده

جنائی واقع و محکمه پس از رسیدگی چنین رأی داده است (با اینکه متهم در نزد مدعی العموم اقرار نموده که قصد

کسی بانهاام آنکه قصد قتل شوهر داشته تیر به زن اصابت کرده و او را کشته است مورد تعقیب در محکمه

کشتن غلامحسین راداشته و پاشنه تفنگ را کشیده و بخند بجهت هیال او خورده است و نظر بمندرجات پرونده که متهم پس از وقوع قضیه فرار نموده و تفنگ را با کلاه او در منزل غلامحسین شوهر مقتوله باقی بوده و بکرات متهم مزبور اعتراف کرده که تفنگ را مشارالیه از منزل یوسف بمنزل غلامحسین برده و با ساچمه درشت (چهار پاره) تفنگ را پر کرده بوده و در موقع ورود غلامحسین شوهر مقتوله خواسته است او را بزند و پاشنه را کشیده قصد او در کشتن انسان معرّض و عملش تطبیق با ماده ۱۷۰ قانون مجازات عمومی مینماید بنا بر مراتب جرم متهم بموجب ماده مذکوره در نظر محکمه ثابت و از طرفی چون متهم شخصی بوده عامی و از عواقب وخیم عمل خود مستحضر

نبوده تخفیف مجازات در باره مشارالیه بمرور نیست و با رعایت شق اول ماده ۴۴ قانون مجازات عمومی محکوم بدو سال حبس با اعمال شاقه میگردد .
محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۲) در حکم شماره ۱۰۱۶۱-۱۸۰۰ مورخ ۱۶/۸/۵۰ چنین رأی داده است :
(چون از طرف محکوم علیه فقط تقاضای رسیدگی تمیزی شده بدون بیان هیچگونه اعتراض و نظر باینکه از جهت رعایت اصول محاکمه و تطبیق عمل (بنحویکه در نظر محکمه تشخیص و مورد حکم واقع شده) باماده استنادیه و همچنین از لحاظ تعیین مجازات اشکال مؤثر موجب نقض بنظر نمیرسد حکم مورد تقاضای تمیز باتفاق آراء ابرام میگردد) .

تصمیم دیوان عالی تمیز فرانسه بر نقض

در مورد تایید قرار رد عرضحال مدعی خصوصی از طرف محکمه استیناف « هیئت اتهامیه »

در موضوع دعوی جزائی مدعی خصوصی بر نماینده شرکتی بعنوان خیانت در امانت که مستنطق (مارسی) قرار عدم قبول دعوی او را (بعنوان اینکه مدعی خصوصی دعوی حقوقی بر شرکت اقامه کرده) صادر و محکمه استیناف (اگس) (هیئت اتهامیه) قرار نام برده را تأیید کرده - دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۱۰۲ تاریخ ۲۳ اکتبر ۱۹۲۶ چنین رأی داده است :

اعتراض عمده مستدعی تمیز این است که قرار مورد دعوی بر خلاف مواد ... قانون مدنی و قانون اصول محاکمات جزائی صادر شده و باین جهت دارای اساس قانونی نبوده و قابل نقض است .

نظر باینکه محکمه (هیئت اتهامیه) در رد اعتراض شرکت (برلیه) بر قرار مستنطق مشعر بر غیر قابل تعقیب بودن کفیل شرکت مبل سازی پاریس با اتهام خیانت در امانت استناد کرده است باینکه اقامه دعوی تجارتنی

شرکت (برلیه) بر شرکت مبل سازی از جهت وجود اشکالاتی بوده که از اجراء قرارداد راجع بفروش اتومبیل میان آنها ناشی شده وجود همان اشکالات مانع تعقیب دعوی جزائی بر نماینده شرکت میگردد و باین جهت دعوی او را رد کرده .

لیکن نظر باینکه دعوی مدعی خصوصی بر نماینده شرکت بعنوان خیانت در امانت در نتیجه بودن اتومبیل از طرف او بوده در صورتیکه دعوی تجارتنی که منحصر آ بر مدیر تصفیه شرکت مزبور اقامه شده بعنوان استرداد اتومبیل نام برده بوده و بنا بر این این دو دعوی از حیث موضوع و از حیث اصحاب دعوی باهم تفاوت داشته اند و محکمه در رد اعتراض مستدعی تمیز برخلاف مواد قانون نام برده رفتار کرده و حکم او مبتنی بر اساس قانونی نبوده و نقض میشود و رسیدگی مجدد به هیئت اتهامیه محکمه استیناف (نیم) ارجاع میشود .

ترجمه از مجموعه آراء دیوان عالی تمیز فرانسه شماره (۷) سپتامبر - اکتبر ۱۹۳۶ .

تصمیم دیوان عالی تمیز بر ابرام

راجع به مجازات حد اکثر در موردی که سن متهم بالغ کمتر از ۱۸ سال باشد

مدعی العموم استیناف از رأی مزبور تمیز خواسته -
شعبه (۵) دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۳۹۹۱۳۹۳ر
مورخ ۱۶/۶/۱۸ چنین رأی داده است :
(مفاد اعتراض مدعی العموم استیناف این است که
چون عمل ارتكابی (عمل) بعنف بوده و موافق قسمت ۷
ماده ۲۰۷ اصلاحی قانون مجازات عمومی برای آن
حد اکثر مجازات معین شده و در صورت رعایت تخفیف
برطبق ماده ۴۵ مکرر آن قانون تخفیف از حد اقل
نهایتی تنزیل داده شود و بملاحظاتی که در ماده ۳۶ قانون
مزبور حد اقلی برای مرتکبین جنایت منظور نشده لازم
بود محکمه همان حد اقل معین در ماده ۲۰۷ فرق را که ۳
سال است در نظر بگیرد و این اعتراض وارد نیست چه
آنکه ماده ۴۵ مکرر مزبور اساساً شامل متهمین جنایی
که موافق ماده ۳۶ مجازات میشوند نیست و چون از ملاحظه
حکم و سایر اوراق بایگانی شده در پرونده نیز اشکال
مؤثر در نقض بنظر نرسید حکم مورد استدعای تمیز
بائفاق آراء ابرام میشود)

بموجب ماده ۳۶ قانون مجازات عمومی - اشخاص
بالغ که سن آنها بیش از ۱۵ سال تمام و کمتر از هجده
سال تمام باشد هر گاه مرتکب جنایتی شوند مجازات آنها
حبس در دارالآزاد است در مدتی که زائد بر پنج سال
نخواهد بود .

بموجب ماده ۲۰۷ اصلاحی قانون مجازات - در
صورت وجود عمل مشدده مرتکب بعد از اکثر مجازات محکوم
می شود .

جوانی با اتهام جرمی که مجازات آن بواسطه وجود
عمل مشدده حد اکثر یعنی ده سال حبس با اعمال شاقه است تحت
تعقیب واقع و محکمه بدین پس از رسیدگی ارتكاب متهم
را بجرم انتسابی محرز دانسته و بملاحظه آنکه سن متهم
در نظر محکمه در موقع رسیدگی بطور قدر متیقن بالغ
بر ۱۷ سال تشخیص شده از این طبق ماده ۳۶ و فقره ۱ ماده
۲۰۷ قانون مجازات عمومی به پنج ماه حبس در دارالآزاد
محکوم نموده .

تصمیم دیوان عالی تمیز بر ابرام

راجع باینکه مجرد عدم عمل بشرط باعث فسخ معامله نمیشود

اجبار میشود و در صورت تمیز اجبار مستاجر حق خیار
فسخ دارد .

کسی باستفاد اجاره رسمی و چند فقره رسید بعنوان
عدم وفاء بشرط مذکور در اجاره بر موجر اقامه دعوی
کرده درخواست صدور حکم بفسخ اجاره و رد یوهای
دریافتی و خسارات کرده است - محکمه بدایت پس از
رسیدگی حکم علیه موجر پرداخت یوهای دریافتی و خسارات
داده است - محکوم علیه بر حکم مزبور اعتراض استینافی

طبق ماده ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون مدنی کسی که ملتزم
بانجام شرط شده باید آنرا بجا آورد و در صورت تخلف
طرف معامله میتواند از حاکم اجبار و فاء بشرط را بخواهد
و اگر اجبار ملتزم بانجام آن مقدور نشود ولی بوسیله
دیگری مقدور باشد حاکم میتواند بخرج ملتزم موجبات
انجام آنرا فراهم کند .

بموجب ماده ۴۷۶ قانون مزبور موجر باید همین
مستأجره را تسلیم مستاجر کند و در صورت امتناع موجر

مستاجر و پرداخت هشت هزار ریال مورد دعوی را (کلاً یا بعضاً) بمنظور تهیه سنک آردی مدال دارد. محکمه داده نشده اصولاً طبق مواد ۴۷۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون مدنی با فرض اینکه اثبات شود مدعی علیه مستألف تخلف از شرایط سابق الذکر هم کرده بدو بایستی اجبار موجر بر وفاء به تعهدات مز بوره تقاضا و مادام که تمبر باجبار معلوم نباشد برای مستأجر (مستألف علیه) حق فسخ نخواهد بود و از این جهات حکم مستألف عنه با موازین موافقت نداشته و فسخ میشود و مدعی مستألف علیه در دعوی اقامه شده محکوم به بیحقی است) - محکوم علیه در خواست تمیز کرده - شمه (۱) دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۱۳۸۷ از ۱۳۹۶۷ مورخ ۱۶/۶/۱۵ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :

(چون عمده استدلال محکمه در صدور حکم استناد به مواد ۴۷۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون مدنی است و بر تطبیق و تشخیص مذکور اشکالی وارد نیست حکم مز بوره به موجب ماده ۳۳۹ قانون اصول محاکمات آزمایش با اتفاق آراء ابرام میگردد.)

تصمیم دیوان عالی تمیز بر ابرام

در مورد تصمیم خسارت تاخیر تادیه

سرایت به مسبق نمی نماید و احتساب آن خسارت از تاریخ تقدیم عرض حال از این جهت صحیح نبوده - ۲ - آنکه پرونده بدوی حکایت دارد که بین موکل مشار الیه و مستألف علیه معاملات جنسی جاری بوده و مقداری که مصدقین تعیین نموده اند مؤکاش بدهد بابت قیمت جنس بوده و خسارت تاخیر تادیه باین قبیل موضوعات تعلق نمیگیرد - ۳ - آنکه مستألف علیه بعد از اختتام پرونده اصلی بدون تقدیم عرض حال مستقل نمیتوانسته در آن پرونده تقاضای نماید - اعتراضات مز بوره وارد نیست چه در قسمت اول مواد مربوطه به خسارت در قانون تسریع محاکمات ناظر به مسبق هم بوده و با احتساب محکمه از تاریخ تقدیم عرض حال ۱۶/۸/۲۸ اشکالی وارد نیست و در قسمت ثانی چون مورد

کرده - محکمه استیناف پس از رسیدگی چنین رأی داده است: (ملخص دعوی مدعی این است که طبق اجاره نامه مدرکیه یکدستگاه موتور بالوازم باضمام یکزوج سنک کچج گری و دو کوره کچی از مدعی علیه اجاره کرده و چون مقرر بوده که در ظرف پانزده روز یکزوج سنک و دو کوره مز بور را موجر تحویل بدهد و نداده و بدین واسطه مستاجر نتوانسته استفاده مطلوبه را از عین مستاجره بنماید و همچنین چون طبق شرط هفتم اجاره نامه مقرر بوده در صورت احتیاج مستاجر به سنک آسیای آردی موجر قیمت آن را از مستاجر دریافت و تهیه نماید بشرط مز بور عمل ننموده برای مستاجر ایجاد حق فسخ شده و این معنی علاوه بر اینکه ظاهراً دلالت صورت تامین دلیل و شهادت شهود در محکمه بابت کانتف از وفاء موجر به قسمت اول و حکم مستألف عنه هم حاکی از احراز این معنی در نظر محکمه بابت بوده و اینکه در قسمت ثانی تهیه سنک آردی متوقف بر احتیاج مستاجر و تادیه قیمت آن از طرف مشار الیه بموجر بوده و دلیل مقنی که احتیاج

بموجب ماده ۳۶ قانون تسریع محاکمات - در دعوی که موضوع آن وجه نقد است خسارت تاخیر تادیه ۰۰۰ به نسبت مدت تاخیر از تاریخ ابلاغ اظهار نامه و اگر نه از تاریخ اقامه دعوی است .

کسی با استناد حکم قطعی محکمه مطالبه خسارت تاخیر تادیه از محکوم علیه کرده محکمه بابت مدعی علیه را بمبلغی بابت خسارت تاخیر تادیه محکوم میکند - محکمه استیناف با اعتراضات مستألف رسیدگی کرده و چنین رأی داده است: (اعتراضات و کیل مستألف خلاصه در تحت سه عنوان است - ۱ - آنکه قانون تسریع محاکمات که مطالبه خسارت تاخیر تادیه را تجویز کرده بعد از تقدیم عرض حال مستألف علیه وضع و تصویب شده و

ادعا در عرضحال وجه نقد بوده ولو اینکه این مبلغ را در نتیجه معاملات جنسی مدعی مطالبه کرده است طبق ماده ۳۵ قانون تسریع محاکمات مورد تعلق خسارت تأخیر تأدیه واقع خواهد بود و در قسمت سوم با ملاحظه اینکه مدعی پس از ختم محاکمه دعوی اصلی عرضحال مجدد داده و مستقلاً مطالبه کرده این اعتراض ناشی از عدم توجه به جریان بوده است چون اعتراض دیگری بعمل نیامده و اصولاً هم در رسیدگی محکمه خلائی که مؤثر باشد مشهود نیست حکم مستأنف عنه تأیید میشود - - - محکوم علیه

درخواست تمیز کرده - شبیه (۴) دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۱۳۸۱/۱۳۴۵۶ مورخ ۱۹/۱۱/۱۹۶۹ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :

(اعتراضات مستدعی تمیز تکرار همان بیاناتی است که در محکمه ماهوی اظهار و در رأی محکمه موجهاً رد شده و چون از حیث رسیدگی و رعایت اصول محاکمات حقوقی نقصانی بنظر نمیرسد بنا بر این حکم مورد درخواست تمیز باستناد ماده ۳۳۹ قانون مزبور با اتفاق آراء مبرم است .)

تصمیم دیوان عالی تمیز بر ابرام

در مورد مجازات راجع به ثبت احوال و شهادت برخلاف واقع

بموجب قسمت اخیر ماده ۱۱ قانون سجل احوال - که اینکه برخلاف واقع اظهار یا شهادتی در مورد اسناد سجل احوال بدهند مطابق ماده ۲۱۹ قانون مجازات عمومی مجازات میشوند .

بموجب ماده ۲۱۹ قانون مجازات - هر کس در امور اداری شهادت دروغ بدهد و بشهادت مزبور اثری مترتب شود به هشت روز تا شش ماه حبس تأدیبی محکوم خواهد شد .

پدر و مادری با تمام گرفتار و رفق نام و نشان برای دختر صغیر خود در موقع ثبت احوال و معرفی شدن مادر بجای دختر و بشوهر دادن دختر صغیر با تکاء آن ورقه - مورد تعقیب پارک به بدایت واقع و باستناد ماده ۱۰۳ و ۱۰۵ قانون مجازات (راجع به جعل و استفاده) و رعایت شق ۲ از ماده (۲) الحاقی در محکمه جنایی طرح و محکمه پس از رسیدگی بر طبق قسمت اخیر ماده ۱۱ قانون ثبت احوال و ماده ۲۱۹ قانون مجازات به یک ماه حبس تأدیبی

محکوم مینماید - مدعی عمومی استیفاء از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شبیه ۲ در حکم شماره ۱۰۳۴۸/۲۰۴۰ بتاريخ ۱۹/۹/۱۹۶۹ چنین رأی داده است :

اعتراض مدعی عمومی استیفاء بر حکم محکمه جنایی خلاصه آنکه (عمل ارتكابی از متهمان مشمول عنوان جعل اوراق رسمی بوده و محکمه حاکمه برخلاف قانون اعمال آنان را فقط با ماده ۲۱۹ قانون مجازات عمومی تطبیق و بموجب آن ماده تعیین مجازات نموده است) وارد نیست زیرا آنچه از عملیات منتسبه به متهمان در این موضوع در نظر هیئت حاکمه ثابت و مورد حکم واقع شده فقط این است که در اداره ثبت احوال مادر خود را بجای دختر معرفی و پدر این معنی را تصدیق نموده و عمل مزبور تطبیقی با عنوان جعل اسناد رسمی ندارد و مشمول ماده استنادیه محکمه میباشد و چون از جهت رعایت اصول محاکمه و قانون اشکال مؤثر موجب نقض بنظر نمیرسد حکم مورد درخواست با اتفاق آراء ابرام میگردد .)